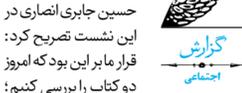


## نشست معرفی تازه‌های انتشارات اطلاعات با حضور حجت الاسلام والمسلمین حجتی کرمانی و دکتر جابری انصاری

# نگاه انتقادی در جامعه آمریکان نسبت به موجودیت اسرائیل

سومین نشست از سلسله نشست‌های معرفی تازه‌های انتشارات اطلاعات با عنوان «دریچه کتاب» صبح دیزوز در مؤسسه اطلاعات با حضور حجت الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی و حسین جابری انصاری برگزار شد و دو کتاب «اعترافات کارتر و مظالم اسرائیل» نوشته محمدجواد حجتی کرمانی و «پاکسازی قومی فلسطینی» نوشته ایلان پایه و ترجمه محسن کرباس فروشان مورد بررسی قرار گرفت. آنچه در پی می‌آید ماحصل این جلسه است:



حسین جابری انصاری در این نشست تصریح کرد: قرار ما بر این بود که امروز دو کتاب را بررسی کنیم:

یک کتاب تألیفی آقای حجتی کرمانی با نام «اعترافات کارتر و مظالم اسرائیل» که بیوستی هم دارد با عنوان روزنگارهای ایشان در ایام زندان، در ارتباط با جنگ ژوئن ۱۹۶۷ عربی - اسرائیلی. کتاب دوم را آقای کرباس فروشان ترجمه کرده است که عنوان آن «پاکسازی قومی فلسطینی» است و نوشته «ایلان پایه» مورخ اسرائیلی و یهودی.

جابری در ادامه افزود: جناب آقای حجتی کرمانی نیاز به تعریف ندارد به ویژه در این مؤسسه و در ایران.

ایشان یکی از چهره‌های تابناک روحانیت معاصر ایران و اسلام با زندگی پر فراز و نشیب هستند که سال‌های طولانی زندان، فعالیت‌های فرهنگی قبل از انقلاب، فعالیت‌های فرهنگی، جدی و سیاسی بعد از انقلاب، از مجلس شورای اسلامی و مشاورت ریاست جمهوری تا عضویت مجلس خبرگان رهبری و خیرگان قانون اساسی را در کارنامه خود دارند.

آقای حجتی کرمانی یک چهره برجسته است که سابقه فرهنگی و فکری و اندیشه‌ای ایشان نسبت به چهره سیاسی و فعالیت‌های سیاسی ایشان پرزنگ‌تر است. قبل از انقلاب، آثار سه نفر از روحانیون ما در کتابخانه ما موجود بود؛ یکی مرحوم سیدهادی خسروشاهی که از دوستان شفیق آقای حجتی کرمانی بودند و دو تن هم برداران حجتی جناب کرمانی هستند یعنی مرحوم علی‌آقای حجتی کرمانی که صاحب آثار مختلف فرهنگی بودند و در تربیت نسل‌هایی مثل ما تأثیر داشته‌اند و دیگری آقای محمدجواد حجتی کرمانی هستند که به رزم اینکه سال‌ها طولانی در زندان بودند، صاحب آثار و افکاری هستند. وقتی انسان فقط اهل حرکت است ولی پایه فکری اساسی و اصول ندارد، خیلی زود در فراز و نشیب‌ها در معرض لرزش و تغییر قرار می‌گیرد، اما کسانی که در واقع زیربنای اساسی فکری دارند، مثل استاد جناب حجتی کرمانی، این مساله خیلی کم‌کم کننده است.

یکی از کتاب‌هایی که ایشان قبل از انقلاب در دوره طولانی ۱۰ سال زندانی نوشتند، شامل مجموعه‌ای از یادداشت‌هاست که بخشی از آنها زود نوشت‌های همزمان با جنگ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی است. این نوشتار در واقع جنگ سوم در سلسله جنگ‌های معروف چهار گانه عربی - اسرائیلی است. همان جنگی که ۲۲ درصد باقیمانده سرزمین فلسطین، یعنی کرانه باختری و نوار غزه، هم به اشغال صهیونیست‌ها در آمد و صد درصد اراضی فلسطین به اضافه جزایر سوریه و صحرای سینای مصر اشغال شد. در این تاریخ، جناب آقای حجتی کرمانی در زندان بودند و یادداشت‌هایی را نوشتند که در این کتاب در پیوست بخش اصلی کتاب منتشر شده است.

کار دومی که در این کتاب انجام شده، اعترافات کارتر و مظالم اسرائیل است. جیمی کارتر از کسانی است که در دوران ریاست جمهوری خود ارتباط زیادی با مسال فلسطینی و اسرائیل داشت و در سال ۲۰۰۶ کتابی در رابطه با فلسطین نوشت که ترجمه‌های مختلفی در ایران دارد، اما دو ترجمه اش معروف‌تر هست؛ یکی به نام «فلسطین، صلح یا نژادپرستی» با ترجمه محمدحسین وفار که در مؤسسه پاکسازی منتشر شد و ترجمه معروف دیگری هم دارد با عنوان «فلسطین، صلح نه تبعیض» که مه‌ان قاسمی آن را انجام داده و نشر ثالث این کتاب را به چاپ رسانده است.

به هر حال این کتاب روایت جیمی کارتر از مساله فلسطین است و از آن با عنوان بحرانی طولانی که تا امروز هم باقی‌است یاد می‌کند. حدود ۱۰ سال از تاریخ منازعه فلسطینی می‌گذرد و این یعنی یک سده است که مساله فلسطین شکل گرفته است و بیش از ۷۵ سال از تأسیس اسرائیل می‌گذرد، ولی بیشتر هم این موضوع وجود داشته است و ریشه‌های اولیه شکل گیری اسرائیل تقریباً جزو معروف‌ترین یا مهم‌ترین بحران‌های جهانی به حساب می‌آید و از جمله مسائل جهانی است که از قرن قبلی به قرن جدید به ارت رسیده است و مساله فلسطین جزو معدود بحران‌های بسیار بزرگ و مؤثری محسوب می‌شود که تأثیرات بسیار گسترده در کل منطقه ما و جهان داشته و همچنان تا به امروز باقی مانده است.

جیمی کارتر در این کتابش تصویری ارائه می‌دهد؛ تصویری که احتمالاً از زبان یک مسیحی آمریکایی و کسی که سال‌ها رئیس جمهوری آمریکا بوده و از شخصیت‌های درجه یک مؤسس ایالات متحده محسوب می‌شود. این نگاه انتقادی به اسرائیل به هر حال نگاه متمایزی به حساب می‌آید یعنی با ملاحظه

شخصیت کارتر، محیطی که او در آن زیست و فعالیت کرده، حرف‌هایی که او می‌زند، زاویه انتقادی‌اش با این منطق جدی است، گرچه به هر حال او به عنوان یک آمریکایی و یک سیاستمدار برجسته آمریکایی حرف‌هایی می‌زند که با واقعیت‌ها فاصله دارد، اما همان قدری هم که او در انتقاد از اسرائیل حرف می‌زند، قابل توجه است و به ویژه چشم خوانندگان غربی و آمریکایی را مطرح کرده‌اند.

جناب آقای حجتی در حقیقت ایده‌های مرکزی کتاب را ارائه و در کنار آن نظرات خودشان در ارتباط با مساله فلسطین مطرح کرده‌اند.

به نظرم دو نکته در کتاب ایشان برجسته است. یک نکته این است که ایشان با تأکید و تمرکز بر نگاه انتقادی کارتر به مساله فلسطین و اسرائیل و سیاست‌های رژیم صهیونیستی می‌زند و واقعیت که در غرب و در آمریکا هم صداهایی وجود دارند که به حقیقت و واقعیت‌های بحران فلسطین نزدیک است، نوافکن می‌اندازند.

در واقع یکی از مسائل کلیدی این کتاب این است که ما به این موضوع توجه کنیم که واقعیت سیاست در غرب و ایالات متحده آمریکا هم رنگارنگی و تنوع دارد. صداهایی هم در سیاست غرب و آمریکا به گوش می‌رسند که بخشی از حقیقت را بیان می‌کنند و می‌توان به عنوان یک فرصت به این تمایزها و تفاوت‌ها در عرصه سیاست غرب توجه کرد.

نکته دوم کلیدی کتاب این است که جناب آقای حجتی بر طریخی که در جمهوری اسلامی ایران در ابتدایه عنوان یک نظر اولیه عمومی و بعداً به مرور تکرار و تیش در سازمان ملل به طرح و نظر رسمی جمهوری اسلامی ایران به عنوان راه حلی برای بحران فلسطین تبدیل شد، تمرکز می‌کند.

جناب حجتی بخشی از تمرکزشان در این کتاب را هم روی این ایده مرکزی قرار داده‌اند که این نظری که جمهوری اسلامی ایران به عنوان طرح فراندوم مطرح کرده، در حقیقت طریخی مناسب است و می‌تواند در افقی میان مدت و دراز مدت دریچه‌ای به سوی پایان بحران باز کند و البته بخشی از ایده‌های این کتاب متمرکز بر همین موضوع است.

جابری افزود: ما در ایران بعد از انقلاب، از فلسطین خیلی حرف زدیم، الان هم چند ماه است که جنگ غزه و کشتار وسیع فلسطینیان در جریان است باز تبلیغات رسمی و غیررسمی ما دائماً از فلسطین حرف می‌زند، اما با کامال تأسف کاری را انجام می‌دهد که عنوان و موضوع کتابی است که امروز قرار بر این بود که کتاب دوم بررسی ما باشد. عنوان این کتاب «پاکسازی قومی فلسطین» است.

ایشان معتقد است و جزو تاریخ نگاران جدید محسوب می‌شود. یک موجی در واقع از دهه ۱۹۸۰ میلادی در خود اسرائیل شکل می‌گیرد و مجموعه‌ای به نام تاریخ نگاران جدید شکل می‌یابند.

حوزه مثل کتاب آقای حجتی و آقای کرباس فروشان و کتاب‌های دیگری که منتشر شده به فال نیک گرفت از این جهت که به شناخت نزدیک‌تر و با معناتر و دور از شازردگی ماز دشمن کمک می‌کند.

در ادامه آقای حجتی کرمانی گفت: در واقع این کتاب فرع زائد بر اصل است، یعنی اصل کتاب خیلی بیشتر از خود یادداشت‌های زندان است. لذا در پشت کتاب نوشته شده یادداشت‌های زندان، شماره ۳، مقدمه‌ای که آقای جابری انصاری بر این کتاب نوشته‌اند، در خور مطالعه و اجمالی است از این کتاب درباره انعکاسی که تأسیس دولت اسرائیل در جهان عرب داشت.

همه خوانند آید که بعد از تأسیس اسرائیل پنج کشور عربی به اسرائیل حمله مسلحانه کردند. در آن جنگ کشورهای عربی حدود ۴۰۰ شهید دادند و بالاخره با دخالت سازمان ملل جنگ پایان یافت و اسرائیل بعد از این حمله اولیه نه تنها شکست نخورد بلکه به پیروزی دست یافت. مادر ایران از قدیم نسبت به قوم یهود و مساله یهودیت ذهنیت منفی داشتیم.

البته این ذهنیت منفی امروز به عنوان یهودستیزی مطرح می‌شود و محکوم است و نماد خیلی روشن آن هم آلمان نازی و نسل‌کشی هیتلر است و آن فاجعه‌ای که به نام هولوکاست معروف شد و باعث شد مساله یهودستیزی به عنوان یک ضد ارزش جهانی مطرح غرب توجه کرد.

در ایران این ذهنیت وجود داشت اما نه به صورت هیتلری، چون در خود ایران یهودی‌ها به مسالمت میان مسلمانان زندگی می‌کردند. به هر حال جامعه اسلامی ما از لحاظ مذهبی با یهودی‌ها اختلاف نظر داشت ولی یهودستیزی نبود. جابری انصاری افزود: یک نکته ای که جناب حجتی کرمانی اشاره فرمودند و تقریباً عنوان روایت رسمی مساله فلسطینی و جنگ‌های عربی اسرائیلی هم محسوب می‌شود، این است که در واقع بعد از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، عرب‌ها دولت و ارتش‌های عربی جنگی را علیه اسرائیل شروع کردند. این در واقع به یک معنا درست است، اما به نوعی ناقص محسوب می‌شود، یعنی اجزای دیگری دارد که باید در کنار هم صحنه را تکمیل کنند.

پس ما اضافه کنیم که اسرائیلی‌ها در ماه‌های منتهی به اعلامیه تأسیس اسرائیل، گروه‌های تروریستی صهیونیستی و رهبری جنبش صهیونیستی به شکل متمرکزی در واقع کاری را انجام می‌دهد که عنوان و موضوع کتابی است که امروز قرار بر این بود که کتاب دوم بررسی ما باشد. عنوان این کتاب «پاکسازی قومی فلسطین» است.

ایشان معتقد است و جزو تاریخ نگاران جدید محسوب می‌شود. یک موجی در واقع از دهه ۱۹۸۰ میلادی در خود اسرائیل شکل می‌گیرد و مجموعه‌ای به نام تاریخ نگاران جدید شکل می‌یابند.

کسانی مثل «بن موریس» و «ایلان پایه» و جمع دیگری از همین تاریخ نگاران هستند. این افراد بر اساس مجموعه اسنادی که منتشر شده، روند تاریخ نگاری و تفسیر جدیدی از تاریخ اسرائیل ارائه کردند که این موج با مجموعه به نام تاریخ نگاران جدید مشهور است. تا قبل از اینکه این افراد این حرف را بزنند عرب‌ها و فلسطینی‌ها به شکل ناصحی این مدعا را داشتند و این بحث را مطرح می‌کردند اما وقتی اسناد بیرون آمد و برخی از تاریخ نگاران اسرائیل به یهودی نوشتند، هم شپتوانه سندی پیدا کرد و هم کارهای پژوهشی انجام شد که قابل اتکا بود. در این کتاب ایلان پایه آمده است که بر اساس مجموعه اسناد منتشره غربی به ویژه بریتانیایی و اسناد اسرائیلی و بررسی و پژوهش عمیقی که انجام شده است، در چند ماه منتهی به اعلام اسرائیل و در چند ماه بعد از اعلام اسرائیل در حقیقت طرح D به معنای در، درب یا دریچه است، پیاده شده است. رهبران جنبش صهیونیستی تصمیم می‌گیرند به طری مشخص در ماه مارس ۱۹۴۸ و ۲ ماه مانده به خروج رسمی بریتانیا و اعلام رسمی اسرائیل، دست به پاکسازی قومی بزنند. باید اشاره کنیم که این اصطلاح آن زمان نیست. پاکسازی قومی در اصطلاح حقوق و روابط بین‌الملل از زمان پاکسازی قومی که به ویژه صرب‌ها علیه یونانی‌ها انجام دادند، جزئی از ادبیات بین‌المللی شد. مدعای اصلی این کتاب به شکل

مفصل و به تعبیر مترجم در مقدمه کتاب، بدون شعار زدگی و مجموعه‌ای روایاتی بوده که اتفاق افتاده است و سرحا می‌گوید که اینها با حضور ۱۱ تن از رهبران جنبش صهیونیستی که آنها را در کتاب معرفی می‌کند، مصوبه فلسطینی به پیش می‌رفت، می‌گفتند صهیونیست‌ها تعدادی را کشتند و ما توانستیم فرار کنیم. یک گروهی فرار می‌کردند و می‌آمدند روستای بعدی و به همین ترتیب روند اخراج ادامه داشت. این یک پروژه بزرگ است و پروفیسور ولیدخالدی هم که محقق و پژوهشگر فلسطینی و استاد دانشگاه آمریکا است، در این کتاب در ارتباط با فلسطینی‌ها فارسی هم ترجمه شده و این در واقع چکیده مجموعه پژوهش‌های پایه از جمله در کتاب موجود است. ۱۰ عنوان وجود دارد که یکی از آنها روایت رسمی اسرائیل می‌گوید که اسرائیل بر اساس قطعنامه تقسیم اعلام‌تاسیس کرد. عرب‌ها جنگیدند و به اسرائیل حمله کردند و در این زد و خوردی که با شروع از سوی عرب‌ها اتفاق افتاد، جمعی از فلسطینی‌ها به انتخاب خودشان فلسطینی ارتگ کردند و رفتند. یعنی این روایت رسمی است که اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌ها در جهان راه انداختند و تا به امروز حتی در ایران هم تکرار می‌شده، حتی در برخی محافل علمی و دانشگاهی ما هم این موضوع تکرار شده است، در حالی که واقعیت این است که کسی سرزمین خودش را به دلخواه خود ترک نمی‌کند. مطابق روایت، همین کتاب

پاکسازی قومی فلسطین نشان می‌دهد که حدود ۸۰۰ هزار نفر فلسطینی در جنگ ۴۸ و حوادث قبل از آن به اجبار وطن را ترک کردند. آمار‌ها عربی و فلسطینی این جمعیت را نزدیک به یک میلیون اعلام می‌کند. اصل این کتاب برملا کردن افسانه و به تعبیر پایه یکی از چند افسانه معروف در شکل گیری اسرائیل است. در واقع اسرائیلی‌ها و صهیونیست‌ها مدعایشان این است که در این نزاع چون عرب‌ها علیه ما زد و خورد را شروع کردند، جنگ شد. آنها می‌گویند بالاخره جنگ شد و ما از خودمان دفاع کردیم. در میانه این رهبران جنبش صهیونیستی و جنبش ثابت و اسناد را بررسی می‌کند و مصوبه می‌کند و به سلب حقیقت‌ها و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام روایت و تعریف‌های مسیحی از اینجا شکل می‌گیرد. این یک خون‌خوین‌تری به جامعه مسیحی با یهودیان در طی قرون ایجاد می‌کند که این‌ها یهودیان مسیح می‌دانند.

روایت رسمی دینی و کلیسایی هم بر همین صحنه می‌گذارد تا سالی‌های اخیر و راوتیکان بر اساس نیاز‌های سیاسی و خواسته دولت‌های غربی از مساله یهود و از این مساله تاریخی ارائه می‌کند، اما آن مساله تاریخی و این تفسیر رسمی برای قرون متوالی، آنچه ایجاد می‌کند این است که رومیان مسیحیان در پرورش دینی خود، نگاهشان به یهودیان، «خائنان مسیح کش» است. این بستر از کینه و نفرت عمیق و شدید بین مسیحیان و یهودیان ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

عکس: مصطفی تقاضایی

اطلاعات

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان ایشان را مطابق روایت رسمی مسیحی دستگیر می‌کنند و بعد به صلیب می‌کشند. روایت رسمی مسیحی این است. این روایت می‌گوید که خود حضرت مسیح را گرفتند و به صلیب کشیدند و تمام حقایق و بین‌المللی تروستی است. آنچه ایجاد می‌کند و نتیجه اش این می‌شود که به ویژه در اروپای مسیحی یک محله‌هایی تشکیل می‌شود و یهودیان منزوی در محله‌های مخصوص محاصره می‌شوند و با انواع تصعیف‌ها و مشکلات و برخورد‌ها و مصائبی مواجه می‌شوند. انتهای این نگاه و این بستر تاریخی هولوکاست است، کشتاری که توسط آلمان نازی در این فضاها و ذهنیت‌هایی که در مجموعه کتاب مفصلی به نام «تافراموش کنیم» غیر یهودیان توسط آلمان نازی در آن چارچوب ماشین آدم‌کشی یهودی و سیاست آذمکشی آلمان نازی بخشی از یهودیان در واقع در اردوگاه‌ها کشته شدند و این یک واقعیت تاریخی است. این در بستر آن مفهوم تاریخی و روایت تفسیر رسمی مسیحی است. چنین امری در تاریخ اسلامی اتفاق نیفتاده است. اگر شده‌ها مستثنایها بر قاعده بوده است. بین یهودیان و مسیحیان و مسلمانان جدایی‌هایی بوده است و حساسیت‌هایی نسبت به یهودیان در بسترهای اسرائیلی هم وجود داشته‌اما اینگونه نبوده است. تجربه یهود آزاری با هولوکاست منحصر و مرتبط با تجربه اروپایی به ویژه مسیحی و تاریخ مسیحی است و سوال این است که اگر در بستر تجربه نیست، هولوکاست و غرب اروپایی یهود

پشت آن سنگر گرفته و پنهان شدند، در سنت مسیحی و غربی اتفاق افتاده است. چرا؟ ریشه تاریخی آن مشخص است. چون گفته می‌شود یهودا از حواریون حضرت مسیح یهودی پنهان و خائن بود به حضرت عیسی مسیح و بر اساس جمع بندی یهودی‌ها و یوزرگان دینی یهود مکان حضرت مسیح را به رومیان لو می‌دهد و رومیان